

پاشنه آشیل "بزرگان ضد جنگ استکبار جهانی"!

(در حاشیه پاسخ های ابراهیم شیری به سوالات من)

صبا راهی

مقدمه:

سه یا چهار سالی میشود که با نوشته های ابراهیم شیری از طریق رفیقی آشنا شدم، و من نیز یخعی از نوشته های ایشان را برای آشنایی بیشتر با ماهیت امپریالیستها برای افراد مختلف ارسال میکردم. تا به امروز که نوشته های ابراهیم شیری در مورد حمله احتمالی امپریالیستها به ایران سوالاتی را در ذهنم بوجود آورد که از طریق بخش اظهار نظر سایت مجله هفته با ایشان در میان گذاشتم به این دلیل که ایشان در نوشته هایشان هرگز به ماهیت رژیم حاکم در ایران کاری نداشتند. پاسخ هایی که ابراهیم شیری به سوالات من داد سبب نوشتن نوشته زیر گردید. و آن را بخاطر تاکید بر ماهیت آلوده و ارتجاعی ام شیری برای افرادی که نوشته ها او را برایشان ارسال داشتم مینویسم. و نیز وظیفه خود میدانم که برخورد سیاسی ام را نسبت به پاسخ های ام شیری از طریق سایتهای مختلف اینترنتی با کسانی که مبارزه طبقاتی برایشان جدی ست مطرح کنم!

شیری گرامی! شما به دلیل خوداری کردن از بیان ماهیت رژیم (که بیان آن افشای ماهیت سیاسی خودتان میشود) در نوشته هایتان به ویژه نوشته های آتشین "ضدجنگ" تان چند سوال از شما برای بیشتر روشن شدن ذهن خوانندگان نوشته هایتان مطرح کردم.

قبل از هر چیز شما در پاسخ به سوالاتم مرا با لقب جناب مورد خطاب قرار دادید، با شناختی که از نوع تفکر ارتجاعی شما دارم انتظار رفتار معقول در خطاب به خودم از جانب شما را ندارم! شما در نوشته هایتان با **میرحسین موسوی نخست وزیر کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت رفتار چاکرمنشانه** دارید تا برخورد معقول نسبت به بنده که هم عزیزان و رفقا و همکلاسی ها و همسایه ام مانند عزیزان دیگران در دوران "طلایی امام جلال میرحسین موسوی" شکنجه و قتل عام شدند و خود نیز مخالف سرسخت این رژیم وابسته به امپریالیسم با تمام دسته ها و جناح های جنایتکار آن هستم! شاید که جناب خطاب کردن من از جانب شما بدلیل مخالفت سرسختانه ام با رژیم اسلامی وابسته به امپریالیسم باشد. اما سوالاتم چه بود:

۱- از شما پرسیدم که ارزیابی شما در مورد ماهیت رژیم چیست؟ شما مرا به نوشته های بیست سال پیش خود حواله دادید **بدون معرفی حتی یک منبع یا یک لینک!** اگر قرار را بر این میگذارید که من بایستی ۲۰سال پیش با ارزیابی شما آشنا میبودم باید بگویم که من بعنوان **کودک کار**، که در دوران کودکی و نوجوانی ام مجبور به کار برای ادامه تحصیل شدم و زخمهای ستم طبقاتی بر جان و جسمم دلمه بسته است، از همان دوران **کار در کودکی** بود که با افکار **بورژانی وطن دوستی** توده ای های چون آشنا شدم و همین چند وقت پیش بود که **پادوی شما** نمک بر آن زخم طبقاتی من پاشید و شما سرمست و شادان از این نمک پاشی شدید. اما گویا این **کودک کار** با طرح سوالاتش بدجوری انگشت روی پاشنه آشیل شما "بزرگان توده ای" گذاشته! و شما نیز که با بی شرمی تمام مانند جانی دالره های اینترنتی تان "اتهام" زنی میکنید خوب میدانید دلیل این اتهام زنی ها بقول رفیقی **تنها و تنها یک مسئله است.**

این مسئله چیزی نیست به جز بی آبرویی مبارزات! ضد! استکباری رژیم در میان میلیونها مردمی که در تجربه خونبار سی و دوساله خود به ماهیت تا خرخره وابسته این حاکمیت خائن پی برده اند.

برای اطلاع شما باید بگویم که شما اولین فرد نیستید که از **انقلاب** ترسانید که چنین موزیانه از پاسخ به سوالات در میروید و به مارک زدن متوسل میشوید. چندی پیش فردی با شباهت افکاری با تفکر شما که خود را پشت **نام یک انقلابی پنهان** کرده بود وقتی که ماهیت سیاسی اش در یک نوشته برملا شد. معلوم شد که با تمام ادعاهایش نظریات مارکس را نفهمیده است به ویژه نظر مارکس که در مورد اعدام اجتماعی نوشته شده و این فرد از سر ماهیت آلوده سیاسی اش آنرا به اعدام های انقلابی ستمگران جنایتکاری چون خامنه ای و میرحسین موسوی ربط میداد! و وقتی به نظر این فرد برخورد شد **پادوی مشترک تان** را برای مرعوب کردن این قلم وارد صحنه کرد تا به خیال ابلهانه اش با آن جمله "بازجوموآبانه" مرا از تبلیغ نظریات انقلابی ام منصرف سازد! از این دسته افراد کم نیستند. باز هم برای مثال افرادی با ماهیت سیاسی شما شیرهای بی یال و کوبالی هستند که خود را هر آنچه نیستند می نامند مثلا: "ادیب و خوبان و پیام پرتوی! و بعد هم بسیار جالب است که یکباره همه اینها باز هم مثل شما" سلامتی شان مشکل دار میشود، مثلا پیام پرتوی(بابک خوبان) برای من نوشته بود که سرطان استخوان گرفته چندین جراحی داشته چشمش در حال نابینا شدن است و حالش بسیار وخیم است. یک هفته بعد به گفته خودش "معجزه ایمیل نوشتن" به بنده گویا ایشان را "شفا" داده و میخواست که بنده کتاب ترجمه شده شان را که از زبان سوئدی بود و منی که زبان سوئدی نمیدانم برایشان آنرا بازخوانی کنم!!!! بهرو بابک خوبان پس ز افشای "خرافاتش به معجزه" غیب شد و پیام پرتوی "با چشم بینا" مینویسد و ترجمه میکند و بنا بر گفته رژیم حزب الهی اش بردهان "صدانقلاب" می گوید! و بدین ترتیب پس فردا هم اسم جدید غیب میشود و نامی دیگر ظهور میکند!

البته میدانم کمی طولانی شد و لی اینها واقعیت هایی ست که در فضای بشدت آلوده اینترنتی اتفاق می افتد. در این جا لازم به یادآوری ست که **آن پنهان شده در پشت نام یک انقلابی** نیز درست همین شیوه برخورد شما را داشت. پس از ۳۳

سال از حاکمیت خونبار رژیم اسلامی تا دندان وابسته به امپریالیسم در هیچ جایی ایشان ارزیابی اش را از ماهیت رژیم نه تنها مکتوب نکرده بود بلکه نسبت به ارزیابی کمونیست انقلابی ی سازش ناپذیر، تسلیم ناپذیر و مقاوم که سرافراز از زندان بیرون آمد و با مقاومتش الگوی مقاومت زندانیان سیاسی در ایران و سراسر جهان گردید، ایراد میگرفت که " تخم لق " در دهان دیگران شکسته است که گفته است رژیم اسلامی در کنفرانس گوادالوپ توسط امپریالیستها بجای رژیم شاه نشانده شد! خب میبینید، تشابه برخوردهای شما رفرمیست های ترسان از انقلاب چه یکسان است! تنها کافی ست که دست روی پاشنه آشیل تان بگذارند تا ماهیت ارتجاعی تان را نشان میدهید!

اشتباه نکنید! نه اینکه ارزیابی از ماهیت رژیم اسلامی نداشته باشید! شما دقیقا از ماهیت رژیم اسلامی بر اساس تفکر خود ارزیابی دارید ولی به خیال خود برای نفوذ در بین انقلابیون آنرا در لای عباک ملاهای سرمایه پنهان میکنید و فریبکارانه رژیم اسلامی وابسته به امپریالیسم را " ضدامپریالیست" قالب میکردید.

۲- از شما میپرسم رهنمود شما به مردم چیست؟ لباس " خصمانه تان" که برای مقابله با بنده پوشیده بودید را عوض میکنید و میشوید یک " درویش حوزه فیضه" و میگویید: " من در مقامی نیستم که رهنمود دهم!"

آ.... عجب روباه شیرنمایی!!!

چطور در مقامی هستید که تندتند با بالا گرفتن تبلیغات جنگ در مورد جنگ و حمله احتمالی و ... بنویسید! چطور در مقامی هستید که از ماهیت امپریالیستها و صهیونیسم بگویید، در مقامی هستید که از هسیتیک ضدکمونیستی بنویسد، اما در مقامی نیستید که از **بنیادگرایی اسلامی** که مانند همان بنیادگرایی صهیونیسم در خدمت سرکوب کارگران و زحمتکشانش و محرومان میباشد چیزی نمی نویسید؟

ادعای مارکسیست بودن بدون موضع گیری نسبت به پدیده ها، انحرافات سیاسی ، آلودگی های جنبش یعنی رفرمیست ترسان از انقلاب! یعنی **وطن بورژانی دوستی** که قصد فریب مردم را دارد تا اعتماد دوباره برای رژیم جنایتکار اسلامی بوجود آورد! پس بفرمایید که این ترجمه های شما از دوران استالین و غیره با چه هدفی ست؟ غیر از این است که میخواهید خواننده بی تجربه و ناآگاه را نسبت به رژیم اسلامی دست ساز امپریالیستها متوهم کنید و به بهانه نجات " میهن " آنها را قربانی **منافع بورژازی ملی** از **دید خودتان** کنید.

اتفاقاً این برخورد شما نیز با موزیانه در رفتن از پاسخگویی در رهنمود دادن به مردم، همان مردمی که برای مقابله با دشمنانشان از جمله امپریالیسم و رژیم اسلامی نوکرش، باید به نیروی آنها تکیه کرد و نه اربابان روس و آمریکایی و چینی و انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و غیره، فرار میکنید.

تکیه بر نیروی مردم و راهنمایی آنها در مسیر درست وظیفه یک روشنفکر البته انقلابی ست!

اما شما دقیقا وظیفه " روشنفکر خرده بورژا" را در دستور کار خود دارید، خرده بورژایی که شبها خواب بورژائی میبینید و از خود مثال میآورید، که: " اگر میهن من به هر دلیلی و با هر مستمسکی از سوی استعمارگران غرب مورد تجاوز قرار بگیرد، با تمام توانم در مقابلشان خواهم ایستاد."

البته شما همیشه با تمام قدرت پوشالی تان درکنار رژیم های جنایتکار وابسته به امپریالیسم قرارداشتید و کارگران و زحمتکشانش را به قتلگاه سرمایه میفرستادید که نمونه مشخص آن در **کودتای جنایتکارانه امپریالیسم امریکا** در سال ۳۲ بود که به کارگران و زحمتکشانش پشت کردید تا ارتش جانی و **ساواک** دست ساخت **موساد** و **سیا** و **اینتلجت سرویس** به شکنجه و کشتار آنها بپردازند، شما حتی به هم آخوری های خودتان رحم نکردید، حالا درعربیی رزخوانی میکنید، حال که درغربت دم از شیرشدن میزنید، براستی چرا برنمی گردید بروید برای جنگ درکنار رژیم جنایتکارمورد علاقه تان فراربگیرید؟ ولی خودتان بخوبی میدانید که شماها چوب دوسر.... هستید که هم سرمایه داران جانی اسلامی ، اگر به **جاسوسی** شما برای کارگران و زحمتکشانش نیازی نداشته باشد، بدارتان خواهند زد و هم کارگران و زحمتکشانش به خاطر **همکاری** که با **قاتلان فرزندان مبارزشان** کردید به شما پشت خواهند کرد و روزی همه شماها را در دادگاه های انقلابی محکوم خواهند کرد.

بعد هم ادامه میدهید که : " **مقاومت در مقابل تهاجم و خوش استعمار به میهن، هیچ ارتباطی با ماهیت رژیم جمهوری اسلامی ندارد.**"

شما آن قدر وقیح هستید که جنایتی که سرمایه داران اسلامی می کنند را به حساب خودمانی بودن رژیم و کارگران و زحمتکشانش قالب می کنید و به خیال خام خود می خواهید با تشکیل جبهه ضد امپریالیست کهنه شده و ارتجاعیان به بهانه جنگ امپریالیستی، بین جانیان رژیم و کارگران و زحمتکشانش آشتی طبقاتی برقرار کنید، چون تفکرگندیده شما همیشه این بوده که برای حفظ سیستم گندیده سرمایه داری آش شله ققمکار آشتی طبقاتی بار بگذارید، بر همان مبنای تری به غایت ارتجاعی و جنایت بار همزیستی مسالمت آمیز.

ولی شما با وقاحت تمام خود را به حماقت میزنید که خیرندارید، کینه و نفرت کارگران و زحمتکشان از باند جنایتکار سرمایه داران اسلامی به حدی است که اگر به چنگشان بیفتند، آنها را مثل جد بزرگوارتان "آیت الله نوری" در انقلاب مشروطه با عمامه به تیر چراغ های برق آویزان خواهند کرد .

حال شما در غرب رجزخوانی کنید، سیاه مشق هایتان را پرنرنگتر کنید، به مخالفان طبقاتی تان با خیال خامتان انگ جاسوس، اعتماد داشتن به بلند گویای امپریالیسم و هرچه خزعبلات که لایق تفکر و بیونیستی خودتان است بزنید . مطمئن باشید روزی نه چندان دور در برابر دادگاه های انقلابی کارگران و زحمتکشان به خاطر خدمتان به دشمنان طبقه کارگر مجازات خواهید شد .

یادآوری لازم دیگری: نه اینکه ماهیت سیاسی شما که رژیم وابسته به امپریالیسم را بورژوازی ملی قالب میکنید شناخته شده نباشد، نه! شما همان **توده ای های** هستید که در **هر دو رژیم** وابسته به امپریالیسم در خدمت به بورژوازی سابقه **خیانت به کارگران و زحمتکشان** دارید و امروز " میهن میهن " میکنید! اما شما از نوع توده ای های **خیلی وطن بورژوازی دوست عاشق رژیم های** بورژوازی آن هستید، نه به دلیل اینکه دلتان برای کارگران و زحمتکشان و کودکان کار ایران و روس و چین و غیره از قبیل بنده میسوزد، بلکه برای منافع بورژوازی ست، اگر چه دستگاه اطلاعاتی روس درست مثل دستگاه اطلاعاتی رژیم اسلامی برخورد میکنند، یعنی وقتی که هواداران باند فرخ نگهدار جنایتکار به دپارشان پناهنده میشوند، آنها را به دستگاه اطلاعاتی رژیم اسلامی تحویلشان میدهند، و این مورد در زمان رژیم شاه نوکر امپریالیسم هم اتفاق افتاد که توده ای هائی که به سختی از مرز گذشته بودند بعد از کتک فراوان روسها **مهره های سوخته خود** را برای جلب اعتماد رژیم قربانی کرده و تحویل ساواک میدادند.

تمامی اینها اما برای شما **وطن بورژوازی دوستی** ها تجربه نمیشود، نه اینکه نخواهید، بلکه ذات سیاسی تان است، درست مثل زمانی که با تمام **خدماتی** که شما توده ای ها به رژیم اسلامی نوکر امپریالیسم کردید، وقتی که رژیم تمام استفاده هایش را از شما برای همکاری در سرکوب نیروهای انقلابی کرد **شوخی تلخی** با شما اکثریتی توده ای ها کرد و شما را نیز به جوجه اعدام برد!

آیا شما ذات ارتجاعی و آلوده تان که اقتضای سیاسی اش این است را درست میکنید؟ خیر! آیا از گذشته ننگین و نفرت برانگیزتان درس گرفته اید؟ خیر! برای همین هم هست که تنها کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ را، که اکثریتی و توده ای ها که رژیم با تمام خدماتشان به رژیم خونبار اسلامی **شوخی تلخ** با آنها کرد، نیز در میان آنها بود، محکوم میکنید چون کشتار زندانیان سیاسی در سالهای ۶۰ و ۶۳ را "واجب شرعی" میدانستید!

نه! دقیقاً شما ربطی به توده های مردم ندارید اگر داشتید، در مورد حمله احتمالی ارتش وحشی امپریالیستها مثل **هر نیروی مردمی ابتدا ماهیت رژیم را برای توده ها روشن میکردید و با موضع گیری درست نسبت به ماهیت رژیم با تمام دسته و بندی و جناح هایش، به مردم و به ویژه طبقه کارگر و زحمتکش می گفتید برای نابودی رژیم از این میدان استفاده کنید، پادگانها را تسخیر کنید، اسلحه ها را صادره، رژیم را نابود و با سلاح هایی که در دست دارند با ارتش متجاوزگر بجنگند.**

البته نیروهای رسوایی هستید که با حرارت تمام درست مثل سردمداران رژیم حزب الهی مورد علاقه شان از " ضدامپریالیست و ضدصهیونیست " بودن خودشان خطابه های آتشین می نویسند، رژیم را برای همفکران خود " کمی تا اندکی مستقل " ارزیابی میکنند، درحالیکه حنای حکومت با آنهمه تبلیغاتش در میان مردم رنگ باخته، اینان زیر " دفاع از میهن " نظرات بشدت ارتجاعی و خطرناک دارند و سنگ در کنار حزب الله به جنگ استکبار جهانی رفتن را به سینه میزنند، که برای آشنایی بیشتر با این عده شما را به نوشته ام و برخورد نظری ام با آن محفل در لینک زیر آشنا میکنم.

<http://www.hafteh.de/?p=22310>

نمونه دیگری از ماهیت سیاسی افرادی یا افکار سیاسی شما: پیام پرتوی (بخوان آقای بابک خوبان غیب شده از صحنه مجازی اینترنت) طرفدار حماس و حزب الله دست ساز امپریالیسم وقتی که **ماهیت سیاسی آلوده اش** توسط این قلم افشا شد چه در نوشته ام در لینک بالا و چه در لینکی که در زیر این سطر قرار میدهم این قلم را تهدید به **افشای شماره تلفن و محل زندگی اش** کرد! خب ملاحظه میفرمایید آلودگی سیاسی و خدمت شما به وزارت اطلاعات تا به امروز همچنان ادامه دارد! و آنچه را که اتفاقاً تاریخاً و به عینه ثابت کرده اید خود هستید به دیگران نسبت میدهید! حال بفرمایید " جاسوس " کیست؟ و خدمات جاسوسی چگونه است؟ اعتماد افراد را از طریق " ایمیل " جلب کردن آنهم با به **موش مردگی** زدن خود، و آنها را " شناسایی " کردن جاسوسی ست، کاری که پیام پرتوی با بنده کرد! یا اینکه به کسی بگویند که تمثال زدن بالای ولایت یعنی توهم پراکنی نسبت به ماهیت سرمایه داری!

<http://www.eteraaz.com/bargozide/8104.htm>

اینکه فضای اینترنتی بشدت آلوده است، اینکه جنبش مبارزاتی بشدت آلوده است و خادمین **وطن بورژوازی دوست** نیز میدان داری میکنند، جای تاسف بسیار دارد، بهر این نیز محصول امپریالیسم و رژیم وابسته به آن است که با کمک حزب توده منفور و اکثریت خائن نیروهای انقلابی که هر کدام آموزگاران دلسوز برای کودکان کار و محرومان جامعه بودند را به قتل گاه رژیم برد! همان هایی که امروز وقتی ماهیت سیاسی اشان توسط این قلم افشا میشود بنده را برای پادوهایشان که نظرات اینها را بارکشی میکنند مینویسند بنده " مجاهد " هستم! و امروز نیز ابراهیم، شیری بی یال و دم، با توسل به

ناپلئون مارک " جاسوس " به بنده میزند! البته اینها عزیزان و رفقای بنده را با همکاری با وزارت اطلاعات رژیم به قتلگاه بردند می‌خواهید با من که هم نظر آن‌ها هستم " مهربان " باشند؟ مگر آن **پادوی بزدلان** نبود که برای کودکان کار اشک تمساح میریخت و چرخاندن " کاسه گدایی " برای کودکان کار را تبلیغ میکرد و به من کودک کار که با کاسه گدایی برای کودکان کار مخالف و چاره درد کودکان کار و تمام هم طبقه شان را انقلاب و مجازات اعدام انقلابی آن برای ستمگران جنایتکار میدانم چنین نوشت: " من از صبا راهی که برای مداوای زخمهای عمیق و کهنه ک روانی اش، در پی اعدام- انقلابی ستمگران است؛ انتظار در پیش گرفتن یک مبارزه اصولی را ندارم."

من عین این حرف را از بازجویان اطلاعاتی شنیدم، از ماموران حراست شنیدم، از ناظم ساواکی شنیدم از تمام کسانی که از سود سرمایه داری با چنگ و دندان پاسداری میکردند و میکنند شنیدم، تنها **روشنفکر خرده بورژوازی ایرانی** ست که چنین برخورد ارتجاعی با کسی که خود کودک کار بوده و به طبقه اش پشت نکرده دارد، این گونه افراد که اتفاقا یک روز خود را "چریک دورده دیده در فلسطین" جا میزنند تا بخیال خود بتوانند نظرات رفرمیسیتی خود را به پیش برند، زود داستان رو میشود و زود هم رسوا میشوند و برای ستمگرانی که عزیزان مردم را در زندانها، در خیابان، در خانه ایشان، در کیوسک تلفن، در کوهها شکنجه کردند، به آنها تجاوز کردن و بعد هم آنها را به قتل رساندند، دلسوزی و نوحه سرایی میکنند که "جنایتکاران" را باید در آغوش کشید! البته معلوم نیست اگر این **آقای پادو** زنش یا خواهرش یا مادرش یا دخترش یا پسر یا برادر و پدرش بخاطر عقاید سیاسی اش مورد **شکنجه** پاسداران سرمایه قرار میگرفت و بعد هم **در حضور آقای پادو** به زنش خواهرش مادرش برادرش.... **تجاوز** میشد و بعد هم **اعدام** میشدند این فرد چه میکرد؟ رفسنجانی و میرحسین جلال و احمدی نژاد و خامنه ای جنایتکار و سایر جنایتکاران را در آغوش میکشید و از آنان " سپاسگزاری" میکرد؟؟؟؟

شما نوشته هایتان را با **نصب تمثالان** بر بالای ویلاگ تان مزین میکنید، از طرفی در ترجمه تان میگویند که بلشویک ها پنج بار مورد قتل عام قرار گرفتند و این قتل عام تا به امروز ادامه دارد، بنده میگویم شما که اینرا میدانید چرا عکس تان را بالای نوشته تان میزنید، آیا این توهم پراکنی نسبت به ماهیت سرمایه داری نیست؟ کدام حرف شما را باید باور کرد؟ ترور بلشویک ها؟ یا اعتماد به دستگاه های اطلاعاتی سرمایه داری که من اسمش را توهم پراکنی میگذارم. البته " بزرگان حوزی مورد پسند امپریالیستها مانند شیخ شکم گنده لبنان حسن نصرالله و خامنه ای و میرحسین قصاب" نیز تمثال هایشان نوشته هایشان را مزین میکند! شما اما در اینمورد با پاسخی دو پهلو از یک سو خودتان را به "بزرگان" میچسبانید و افاضه میفرمایید که: " ... شما کدامیک از مبارزان و بزرگان راه رهایی بشریت را می شناسید که چهره خود را پنهان کرده باشند تا من که خاک پای آنها هم نیستم، چهره خود را پنهان کنم."

بزرگان معنوی شما همانهایی که در بالا نام برده شد دقیقا مثل شما عمل میکنند!

اما برای اطلاع شما باید بگویم **اولا** بنده بزرگانی که میشناسم بزرگان علم رهایی پرولتاریا از ظلم و ستم نابرابری طبقاتی و استثمار هستند. بزرگانی همچون آموزگار انقلابی **صمد بهرنگی**، **چه گوارا انقلابی کبیر دنیا**، **مارکس و لنین و انگلس**، **مسعود احمدزاده** و **امیر پرویز پویان** و **مرضیه احمدی اسکویی شیرین معاضد**، **لادن آل آقا**، **حمید اشرف** و همفکران و هم رزمان انقلابی آنان میباشند، که هیچکدام از این بزرگان در بالای نوشته هایشان نه تنها عکس خود را نمیزند، بلکه بدلیل داشتن افکار انقلابی شان یا در تبعید بودند مانند مارکس و لنین، برخی ها را بخاطر مبارزه انقلابی شان که در اعلان جنگ حماسه سیاهکل ، خواب را چشم امپریالیستها ددخو و شاه سگ زنجیری شان ربوده بودند عکسهایشان را در روزنامه های کنیرالانتشار میزدند و برای پیدا کردن آنها جایزه های کلان میگذاشت، انقلابیون دیگری مانند **صمد بهرنگی** آموزگار انقلابی کودکان کار و کارگران و محرومان که هرگز به سرمایه داری خونخوار نه توهم داشت و نه توهم پراکنی میکرد همان غول تعهدی که بقول غلامحسین ساعدی، **با دانش فراوانی که ذره ذره کسب کرده بود**، ... **تبدیل شد به اژدهای فرزانه ای که در تمام جبهه ها آرام آرام می جنگید و از یک معلم دهکوره های غرق در فلاکت، انسان بزرگی ساخت به جا و برحق محبوب تمام توده های رنجبر و زحمتکش!**

دوما اینکار شما، نصب تمثال تان در ویلاگ تان چه رهنمودی به جوانان بی تجربه چه در خارج از ایران و چه آنهایی که در ایران زندگی میکنند میدهد؟ غیر از این است که آنها را به این وسیله تشویق به " علنی " شدن میکنند تا راحت تر در دام وزارت اطلاعات رژیم اسلامی مورد علاقه شما بیفتند؟ و بعد اتفاقا آنچه که براننده ماهیت سیاسی شما و هم قطارانتان است را به بنده نسبت میدهند؟ اگر بنده جاسوس بودم که به شما نمیگفتم که چرا تمثال تان را بالای ویلاگ تان نصب میکنید؟ این شیوه های مارک زنی خیلی وقت است که نخ نما شده ولی گویا شما توده ای ها مدام برای پوشاندن ماهیت رسوای سیاسی تان از آن استفاده میکنید! و بقول رفیقی اگر شاهد هستیم امروز شما و سایر جانی دالر هایتان همه کسانیکه بر **وابستگی** حکومت مورد علاقه شما انگشت میگذارند را به مجاهدین و جاسوس و پس فردا هم چیز دیگری نسبت میدهند بعلت سوزش تان از این است که نوکری و وطن فروشی رژیم برایش جامعه کاملا روشن میباشد. اما بقول همان رفیق هیهات که دیگر دیر شده و نوکری رژیم برای جامعه روشن شده است و نه شما و نه آن جانی دالرها و **سایر افراد و محافل ارتجاعی کمونیست نمای خط امامی** نمیتواند آب رفته را به جوی باز گردانید.

از شما میپرسم چرا از کارهای رژیم چیزی نمیگویند؟ خودتان را به کوچه روسها زده و میگویند: " **بنظر من رژیم ایران هر غلطی می کند، این بخود مردم ایران مربوط است نه به امپریالیسم مهاجم غرب و در رأس آنها، آمریکا.**"

شما برای کشاندن کارگران و زحمتکشان به قتلگاه جنگ سرمایه داران اسلامی و امپریالیست ها آن قدر دست پاچه شدید، که آن چنان خود را به نادانی میزند که وقتی گفته می شود بعضی از بلندگوهای کشورهای امپریالیستی می گویند رژیم

برای فرونشاندن بحران داخلش ، زمینه چینی برای جنگ می کند ، با وقاحت تمام من را متهم می کنید که به آن چه امپریالیست ها می گویم اعتماد دارم ، درحالیکه بخوبی میدانید، من دشمن خونی امپریالیست ها ازهرنوع، امریکائی ، اروپائی، روسی ، چینی و..... هستم و **دشمنی با امپریالیسم یعنی معتقد بودن به نابودی سیستم گنبدیده سرمایه** و شما روباه شیر نما به دلیل وحشت بی نهایت تان، از این بابت به من **مارک اعتماد** به گفت های امپریالیست ها را میزنید، البته ماهیت خادمین سرمایه این است.

هر روشنفکر انقلابی میداند که **امپریالیست ها به خاطرکسب بازار با هم رقابت دارند**، نمونه آن درحمله جنایتکارانه امپریالیسم امریکا و انگلیس به عراق که آلمان و فرانسه مخالف حمله بودند ومخالفت شان نه به دلیل اینکه نگران قتل وعام شدن کارگران وزحمتکشانشان بودند، **خیر!** بلکه تنها به **خاطرروابط تجاری** ویژه شان با عراق بود .
ومی خواستند درمکیدن خون کارگران وزحمتکشانشان عراق دست بالاتری ازسایر رقیبان داشته باشند وهمین طوردرمورد ایران، آلمان مخالف این حمله است ودلیل آن هم روشن است، چون سرمایه داری وابسته اسلامی بزرگترین شریک تجاری آلمان است. و همین طور روسیه و چین مخالف این جنگ هستند (روسیه: حمله به ایران، تهدید مستقیم ماست) و باز هم نه به خاطراینکه سرمایه داران مافیای روسیه و چین دلشان به حال کارگران وزحمتکشانشان ایران می سوزد، **خیر!** صرفاً به خاطر بازارگل وگشاد ایران که حتی سیب زمینی آن هم ازخارج وارد می شود و آنها از وحشت ازدست دادن بازارها ی منطفه مزورانه مخالف جنگ هستند.

البته " بزرگان..." چون شما توجهی به طرز فکر **کودکان کار** از قبیل من ندارند، چون قلم شما در خصومت با قلم بنده و بخیال کودکانه تان برای مرعوب کردن بنده است، اما لینکهای زیر قسمتی از نوشته های بنده است که در آن به روشنی ارزیابی ام از جنگ و رژیم و امپریالیسم و صهیونیسم و تمام کثافات سرمایه داری نشان داده شده، البته بقول انقلابی کبیر چریک فدایی خلق ایران رفیق راستین کودکان کار امیر پرویز پویان که ماهیت همفکران جلال آل احمد را افشا کرد **شماها لرنزاید از امپریالیسم ولی ترسانید از انقلاب!**

امپریالیسم دخو سخنرانی انقلابی جهان چه گوارا - ترجمه

http://19bahman.net/mataleb_e_resideh/89/BE_Monasebat-e_Salrouz-e_Tavalod-e_Che.htm

بچه ها فلسطین کجاست؟

<http://www.k-en.com/safhe%20azad/saba/frlestin.pdf>

بمب ها و هدف ها

http://19bahman.net/mataleb_e_resideh/89/Bombha_va_Hadafha_Saba_Rahi.htm

سربازها برای چه شلیک میکنند

<http://www.baaba.eu/Gaproz/Pdfha/Mamnoeyat%20Tazohorat.pdf>

جنایت شمار امپریالیسم آمریکا

<http://www.hafteh.de/?p=14094>

درباره اهداف شوی گوستی " دختر شایسته جهان" (**امپریالیسم ددمنش و خادمین "شایسته" آن!**)

<http://www.peykeiran.com/Content.aspx?ID=5351>

در رابطه با سلاخی انسان در لیبی

<http://www.baaba.eu/Gaproz/Pdfha/Barave%20Yak%20Mosht%20Naft.pdf>

و دهها نوشته دیگر.... بنده حداقل شما را به بیست سال پیش حواله نمیدهم! و به صداقت انقلابی ام پای بندم. شما اما تاریخاً ثابت کرده اید که به دلیل ماهیت طبقاتی تان و خادمی تان به بقای لاشه گنبدیده سرمایه به هیچ اصول و پرنسیپ اخلاقی پای بند نیستید!

مرگ بر سلطه امپریالیسم مرگ بر رژیم اسلامی وابسته به امپریالیسم با تمام دسته ها و جناح های جانی آن

زنده باد انقلاب و مجازات اعدام انقلابی آن برای ستمگران

بیست و چهارم دی ماه ۱۳۹۰ - سیزدهم ژانویه دوهزار و دوازده